

انتخابات زودرس یونان فاجعه یا فرصت؟

محمود قاضی

■ دولت سوسیالیست یونان در شرایطی با ۱۵۳ رأی موافق در مقابل ۱۴۴ رأی مخالف از پارلمان ۲۹۸ نفره رأی اعتماد گرفت که مخالفان دولت همچنان بر خواست اصلی خود مبنی بر برگزاری انتخابات زودرس تأکید دارند. پیش از آغاز این رأی‌گیری پاپاندرو نخست‌وزیر یونان صریحا از ارایه حکم تشکیل دولت «اتحاد ملی» به رییس‌جمهوری یونان سخن گفت. وی پس از کسب این رأی در یک اقدام تشریفاتی در دفتر آقای پاپولیس رییس‌جمهور حضور یافت و ضمن گفت‌وگو درخصوص تشکیل دولت اتحاد ملی بر ادامه فعالیت دولت خود تأکید کرد. دولت یونان اگرچه باز هم ماندگار خواهد بود اما با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست. جبهه وسیع مخالفان که این روزها گروه‌های راست و راست افراطی، چپ سنتی و مدرن را در خود جای داده است به هیچ راه‌حلی جز انتخابات زودرس قانع نبوده و دولت فعلی را شایسته رهبری یونان در این شرایط تاریخی نمی‌داند.

نخست‌وزیر در دیدار با رییس‌جمهوری بار دیگر

خواستار همکاری گسترده با دولت کنونی شد و هدف

خود را ایجاد یک ائتلاف گسترده برای ایجاد یک دولت

قوی و متحد خواند. وی تأکید دارد یونان در یورو باقی

خواهد ماند و هر کاری از دست شخص من برآید برای

کشور انجام خواهم داد. پاپاندرو ادعا کرد وی به صندلی

قدرت نرسیده است. وی همزمان ضمن رد برگزاری

انتخابات زودرس مدعی است هنوز زمان چنین انتخاباتی

فرا نرسیده است. به گفته نخست‌وزیر پس از طرح

برگزاری همه‌پرسی، این پیشنهاد ما را به‌شدت مورد

انتقاد قرار دادند و گفتند که باعث ناامنی در کشور، سقوط

بازار بورس جهانی و بدبینی هم‌پیمان خود در اتحادیه

اروپا شدایم ولی حقیقت را به مردم نگفتند که از نتایج

این همه‌پرسی هراسناک شده بودند، زیرا احتمال تأیید

این همه‌پرسی با آرای بالا وجود داشت.

ساماراس رهبر حزب راست‌گرای نئودموکراسی (حزب

دوم پارلمان و رقیب اصلی) نیز که تاکنون سخنی از

همراهی با دولت در این رابطه به میان نیآورده بود و بر

ضرورت استعفای نخست‌وزیر و برگزاری انتخابات زودرس

تکیه می‌کرد، اعلام داشت حزبش به بسته کمکی اتحادیه

اروپا مشروط به اینکه حزب حاکم به ایجاد دولت وحدت

ملی تن در دهد، رأی مثبت خواهد داد. گفته می‌شود

تماس تلفنی درصدد المان با رهبر این حزب در تغییر

موضع وی و اینکه حزبش به توافق با اتحادیه اروپا احترام

می‌گذارد و به بسته کمکی این اتحادیه رأی مثبت می‌دهد

داد، تأثیرگذار بوده است. به گفته ساماراس «همه چیز

آشکار شده است. نخست‌وزیر درخواست‌های ما را رد

کرده و باید مسوولیت آن را بپذیرد. از دیدگاه ما برگزاری

انتخابات زودرس پارلمانی در این مرحله زمانی، تنها پاسخ

ممکن است. مخالفان دولت به چیزی جز کناره‌گیری

پاپاندرو از قدرت و انحلال کابینه وی راضی نیستند.

پیشنهادهای حزب ما همچنان روی میز قرار دارد. شخصا

امیدوارم نخست‌وزیر به اشتباه‌های خود پی ببرد.»

پس از اعلام موضع رییس این حزب، نخست‌وزیر

یونان همراهی این حزب را کافی دانسته و تأکید کرد

در صورت همدلی و همراهی احزاب سیاسی با توافق‌های

به عمل آمده با اتحادیه اروپا و بسته کمکی این اتحادیه

به یونان دیگر نیازی به برگزاری همه‌پرسی نخواهد بود.

حزب ما در دوره جدید باافاصله‌لبنکارتا جدیدی خواهد

داشت و از آسیب‌ها و خطرات جدید جلوگیری خواهد

کرد و به مسوولیت‌های اروپایی خود وفادار خواهد بود.

نخست‌وزیر تمامی مواردی را که احزاب مخالف آنها

را به‌عنوان دلایل کناره‌گیری وی از قدرت اعلام می‌کنند

بی‌اساس می‌داند. قبل از شروع رأی‌گیری، نخست‌وزیر

که از سال ۲۰۰۴، هری حزب سوسیالیست را بر عهده

دارد و متهم است نیروهای اصیل و قدیمی حزب را کنار

نهاده و نیروهای جوان و همفکر خود را در حزب رتقا داده

است، خواستار حمایت پارلمان این کشور برای تشکیل

دولتی ائتلافی شده بود تا بتواند ضمن دریافت کمک مالی

از اتحادیه اروپا بر محران بدعهدی یونان نقش آورده و

تثبیت وضعیت اقتصادی حوزه یورو را تضمین کند. وی

از نمایندگان پارلمانی حزب خود خواسته بود به دولت

وی رأی اعتماد دهند تا بتواند توافقاتی که با اتحادیه اروپا،

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (ترویکا) در دو

سال گذشته به دست آمده را عملی کند چرا که این اقدام

تنها راه نجات اقتصاد کشور است.

پاپاندروبرگزاری انتخابات زودرس را یک «فاجعه» در

این زمان می‌داند. وی مدعی است پس از تصویب توافق

بسته کمکی اتحادیه اروپا و دریافت وام‌های عقب‌افتاده

(مرحله ششم و هفتم) از ترویکا در زمان مناسب نسبت

به برگزاری انتخابات پارلمانی اقدام خواهد کرد. وی در

مصاحبه با روزنامه معتبر یونان To Vima این کشور تأکید

کرده است «حتی آرزو نمی‌کنم که دشمنم نیز در چنین

شرایطی قرار بگیرد. شرایطی که در آن قرار داریم کمتر

از جنگ نیست و نیاز به اقدام‌های بسیاری دارد تا از آن

رها شویم.» به‌نظر می‌رسد هر دولتی بر این کشور عضو

اتحادیه اروپا حاکم شود به‌جز ادامه بی‌اعتمادی‌های

احزاب به یکدیگر، خود را در برابر مشکلات اقتصادی

دیرپه‌ای قرار داده است. نخست‌وزیر یونان تصمیم سران

اتحادیه اروپا مبنی بر حذف ۵۰ درصد از بدهی‌های

خارجی یونان و کمک یکصد میلیارد یورویی منوط به

حضور نمایندگان اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق

بین‌المللی پول (ترویکا) در وزارت‌خانه‌های یونان به‌طور

مستمر رایک پیروزی و موفقیت برای دولت خود می‌داند

اما احزاب سیاسی یونان که شرایط کنونی کشور را

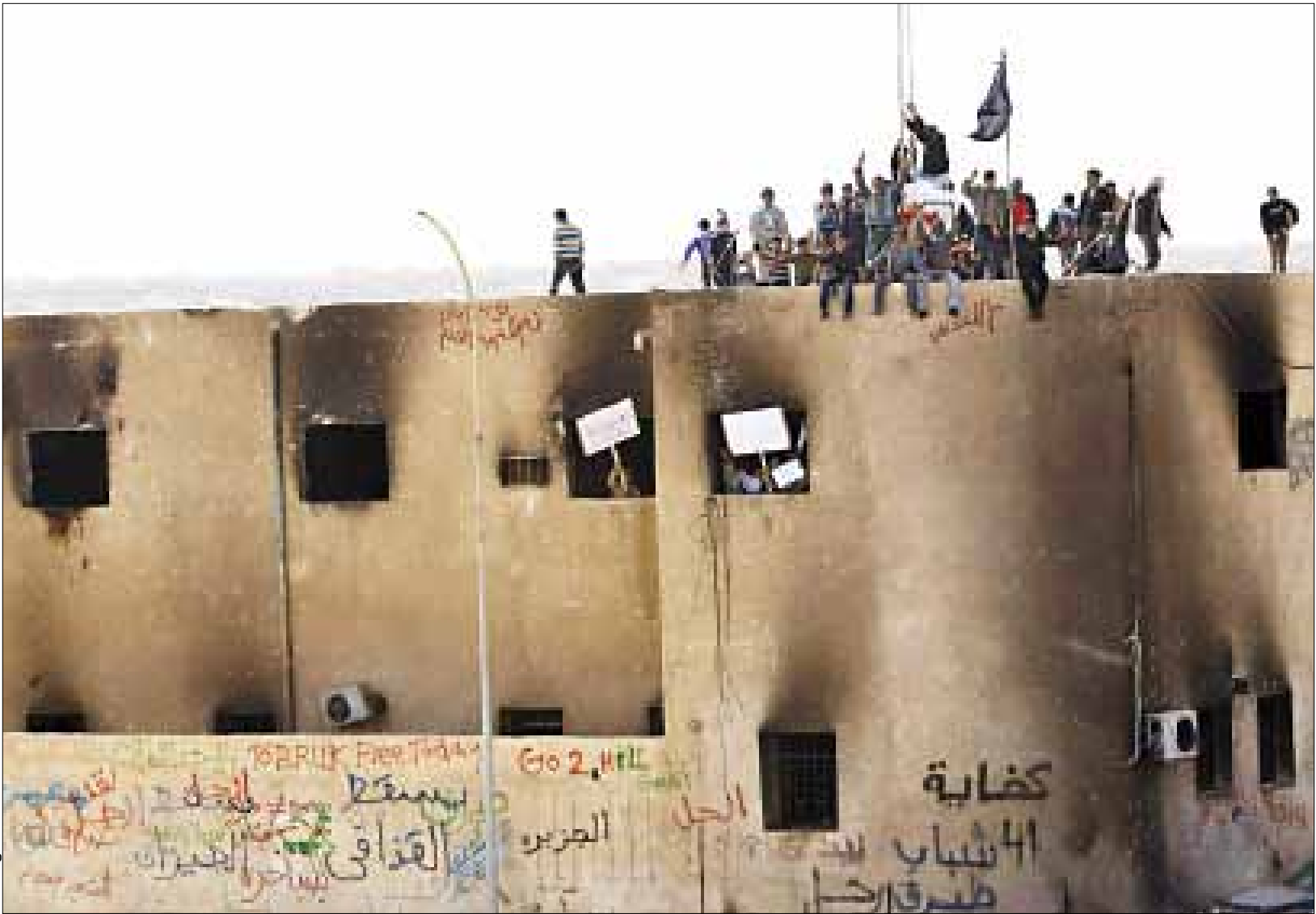
فرصتی مناسب برای کناره‌گیری دولت حاکم برگزاری

انتخابات پارلمانی می‌دانند حضور نمایندگان ترویکا در

یونان را به منزله واگذاری بخشی از حاکمیت ملی به

خارجیان دانسته و آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

جهان



عکس: Reuters

لیبی، نبرد بی‌پایان

باربارا هاردینگ هاوس /ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

مصراته به اصطلاح قهرمانشهر انقلاب لیبی است و شورشیان پس از آزادسازی این شهر در ماه آگوست راه تاوارا را در پیش گرفتند و وفاداران قذافی را به بیابان‌ها فراری دادند و ظاهرا این جنگ و کشتار باید پایان می‌گرفت. اما ایسن اتفاق نیفتاد، زیرا ابراهیم و مردانش نزدیک به سه ماه بعد از سقوط طرابلس و چند هفته پس از مرگ قذافی همچنان به جنگ ادامه می‌دهند. آنها به شکار تاواراها مشغولند و ایسن کار را با ابزاری انحصام می‌دهند که ابزاری جنگی است و آن را خوب می‌شناسند.

از جمله این ابزار داستان‌ها و شایعات است. مثلا گفته می‌شود که مردم تاوارا با سلاح‌های سنگین ارتش، مصراته را هدف قرار می‌دادند. در مصراته اخباری از حمله مردان تاوارا به زنان و تجلوز به آنان به گوش می‌رسد. یک متخصص زنان از بیمارستان صفا در مصراته ادعا می‌کند که شخصا ۷۰ زن مصراته‌ای را دیده که مورد تجاوز قرار گرفته بودند. دکتر «سلیمان محمد الدوریه» پشت میز کارش در طبقه همکف نشسته و درحالی‌که چای سبزی را که دستیارش آورده رد می‌کند، می‌گوید: «لطفا دیگر هیچ چیز سبزرنگی

نیابورد. سبیز رنگ قذافی بود و به گذشته تعلق دارد.»

الدوریه مردی تنومند و شهری است که کروات و عینک و صدایی بلند دارد. او هم زاده مصراته و به مدت هشت سال در لندن تحصیل پزشکی کرده‌است. خانهای در مرکز شهر دارد و یک خودرو میتسوبیشی تقریبا جدید، پدر سه پسر است که اقتصاددان، برنامه‌نویس کامپیوتر و مهندس هستند. هر سه پسر وی در جنگ شرکت داشته‌اند. الدوریه می‌گوید: «در آغاز کار فقط سنگ

پرت می‌کردند.» اما در اواسط مارس بود که نیروهای قذافی برای اولین بار با توپخانه و تانک به مصراته حمله بردند و از سه طرف یعنی از غرب، شرق و از جنوب یعنی از سوی تاوارا این شهر را زیر آتش خود گرفتند. یک فیلم ویدیویی از آن روزها نشان می‌دهد که چگونه مردان اهل تاوارا از طریق ساحل به سوی مرکز مصراته حرکت می‌کردند. در این فیلم آنها یونیفرم‌های سبزرنگ به تن دارند و با عزمی جزم در پناه تانک‌ها پیش می‌روند. دکتر الدوریه ادعا می‌کند: «قذافی به آنها دستور داده بود که بروید، یکشید، تجاوز کنید و هرچه را می‌توانید برای خودتان بردارید.»

و هنگامی که از او می‌پرسم از کجا چنین خبرهایی دارد می‌گوید شورشیان هنگام دستگیری تاواراها فیلم‌هایی را در موبایل‌های آنان پیدا کرده‌اند که به گفته وی تصاویر کشتار و سوءرفتار با اهالی مصراته و تجاوز به زنان در آن دیده می‌شود. اما این فیلم‌ها در حال حاضر کجاست؟ دکتر الدوریه در پاسخ می‌گوید: «بن فیلم‌ها دیگر وجود ندارد چون ما برای حفظ حرمت آن زن‌ها همه آن موبایل‌ها را آتش زدیم.» به گفته او مصراته شهری محافظه‌کار است که همه مردم همدیگر را می‌شناسند و دلیل آتش زدن موبایل‌ها هم این بوده است که می‌خواستند از قربانی شدن دوباره زنان حاضر در این فیلم‌ها جلوگیری به عمل آید.

و آن ۷۰ زن، آیا این پزشک واقعا آنها را دیده است؟ و

پاسخ: «خیر هیچ کدام را ندیده‌ام.» الدوریه هیچ مدرکی در مورد آنچه در شهر ادعا می‌شود ندارد. تنها این را می‌تواند بگوید که شمار سقط جنین افزایش پیدا کرده است. او تلویزیون را روشن و جشن پیروزی مردم بنغازی را تماشا می‌کند. مردم مصراته چندان علاقه‌ای به بنغازی ندارند. اما چرا؟ چون این مردم مصراته بودند که بیش از همه رنج کشیدند و حال حتی در لیبی جدید نیز سهم عادلانه‌ای در قدرت و درآمد کشور ندارند. ابراهیم می‌گوید: «این ما بودیم که قذافی را شکست دادیم.» سپس در مقابل همان خانه خالی و ویران در تاوارا با مسلسل‌ش از جای بلند می‌شود و روی سقف یک خودرو می‌رود و چند گلوله به سوی آسمان شلیک می‌کند، گویی که می‌خواهد کفترها را شکار کند.

پس از آنکه شورشیان اهل مصراته به تاوارا وارد شدند به مردم شهر چهار هفته فرصت دادند تا خانه‌هایشان را ترک کنند. با وجود آنکه تقریبا تمامی اهالی یا به فرار گناشته‌اند اما برخی از شورشیان هنوز هم از جنگیدن دست نکشیده‌اند. آنها ظاهرا با انقلاب و آزادی و پایان کار قذافی دیگر کاری برای انجام دادن ندارند و به

همین خاطر در پی یک جنگ داخلی هستند؛ جنگی که هدف آن دموکراسی نیست بلکه هدف اصلی انتقام است. زندان «امنیت داخلی» در مرکز شهر مصراته قرار دارد. در ورودی این زندان به رنگ پرچم جدید لیبی سیاه، قرمز و سبز است. در پشت این در و بر روی یک میز سه البوم از تصاویر سربازان کشته‌شده قذافی دیده می‌شود. بدن آنها در ملافه‌های سفیدرنگ پوشیده شده و فقط سر جنازه‌ها معلوم است. شد مجبور کردند که به جبهه بروم. کار دیگری

دیگر باز است. هر کدام از آنها شماره‌ای دارد و تاریخ مرگ شماره ۲۳۶ به ۲۵ آوریل ۲۰۱۱ پازمی گردد.

«محمد فرج سلما» ۲۷ساله اهل تاوارا جان سالم به در برده و حال بر روی یک صندلی اداری در اتاق ملاقات زندان نشسته‌است. یک نگهبان او را به همراه مردی دیگر به نام «هانی» از سلول‌هایشان به اینجا آورده است. محمد از دو ماه پیش در این زندان بهسر می‌برد. او به همراه خانواده‌اش در خانه‌ای کوچک واقع در بخش قدیمی تاوارا زندگی می‌کرد. زمانی او هم سرباز ارتش قذافی بود و سپس در خیابان‌های طرابلس به فروش عطر مشغول شد. محمد می‌گوید: «وقتی انقلاب آغاز شد مجبورم کردم که به جبهه بروم. کار دیگری نمی‌توانستم بکنم زیرا در صورت سرپیچی تیرباران می‌شدم.» از او می‌پرسیم به‌عنوان سرباز چه کار کرده است؟ و پاسخ: «هیچ کار خوبی نکردم.» آن زندانی دیگر یعنی هانی توسط شورشیان از طرابلس به اینجا آورده شد. او اوایل آگوست و در جریان تبادل آتش میان سربازان قذافی و شورشیان به تاوارا فرار کرده بود. سپس همراه با خانواده و دوستان و همسایه‌ها برای حفظ جان خود به ۷۰ کیلومتری جنوب یعنی به سوی هیشا به راه افتادند. ماه رمضان بود و تا غروب خورشید غذایی نمی‌خوردند و به همین دلیل به شدت دچار ضعف شده بودند. مادر بزرگ هانی در گذشت و در نهایت تنها نیمی از آن کاروان به هیشا رسید و روز ۱۲ آگوست با اتوبوس

عصر اخوانی‌ها

■ بی‌تردید مقدمات به نتایجی منتهی می‌شوند. همین مساله ما را برآن می‌دارد تا به دوران بعد از «بهار عربی» نیز ببیندیشیم که به احتمال زیاد اخوانی (منسوب به اخوان المسلمین) خواهد بود البته با تفاوت‌هایی که براساس دولت‌ها و ملت‌ها و ترکیب ویژه‌ای که هریک دارند و نیز درجه رشد و توسعه اجتماعی هر کشوری تعیین می‌شوند و به‌طور طبیعی بر نگرش اخوانی‌ها و نحوه تعامل آنها با قدرت در سطوح مختلف تأثیر گذار خواهد بود.

روند انقلاب تونس تا حدودی همین مساله را نشان داد. تونس کشوری است که شراره انقلاب‌های عربی در آن روشن شد و تاکنون همین جنبش سه دولت ازجمله مصر، تونس و لیبی را سرنگون کرده است. در این میان دو دولت دیگر نیز نوبت خود را انتظار می‌کشند که یکی از آنها یمن است. البته هر انقلابی خصوصیات خودش را دارد و تعیین خواهد شد که مسالمت‌آمیز خواهد بود یا به خشونت‌های بیشتر کشیده‌می‌شود.

تونس نخستین کشوری بود که به گفته ناظران جهانی، انتخابات سالمی در آن برگزار شد. نتیجه این انتخابات تقریبا متناسب با آن چیزی بود که انتظار می‌رفت و حزب النهضة – یک نمونه اخوانی در تونس – توانست بیش از ۴۰درصد کرسی‌های مجلس موسسان را به‌دست آورد.این مساله موجب می‌شود تا حزب النهضة به یکی از بزرگ‌ترین نیروهای سیاسی در جامعه تونس تبدیل شده و به‌طور طبیعی دوران انتقالی را اداره کند. حال آنکه بقیه نیروهای سیاسی پراکنده و متشتت بوده و در این انتخابات نتوانستند بین خود ائتلافی جدی به وجود آورند.

در مصر نیز که تشابهاتی با تونس دارد و انقلاب این دو کشور تقریبا مسیر واحدی را طی کرد و موضع گیری نیروهای نظامی در این دو کشور نیز مشابه بود، قرار است به زودی انتخابات پارلمانی برای نخستین بار پس از سقوط مبارک برگزار شود. به احتمال زیاد در این انتخابات نیز اخوان‌المسلمین خواهند توانست همان میزان را که در تونس به دست آوردند در اینجا هم به دست آورند. این امر به آنها نیز قدرت خواهد داد تا بتوانند بزرگ‌ترین فراکسیون را در مجلسی به دست آورند که قرار است روند انتقالی قدرت را در مصر بر عهده گیرد. مجلس آینده مصر قرار است کمیته‌ای برای تهیه قانون اساسی تشکیل دهد و مقدمات انتخاب رییس‌جمهور آینده مصر را فراهم کند. اما در لیبی روند انقلاب متفاوت بود زیرا سرنگونی رژیم نیازمند خونریزی و زمان بیشتری بود که سرانجام با دخالت ناتو همراه شد. درباره این کشور نیز می‌توان از هم‌اکنون تصور کرد که اسلام سیاسی در آینده لیبی و نظام جدیدی که تشکیل می‌شود، شریکی مهم خواهد بود. حتی کشور‌های غربی که روزگاری به دلیل مسایلی از جمله تروریسم، از جریان‌های اسلام‌گرا می‌ترسیدند امروزه می‌بینیم که حاضر به تعامل سیاسی با آنها در کل و اخوان‌المسلمین به‌طور خاص شده‌اند. البته به این شرط که قواعد بازی دموکراتیک و آزادی بیان را رعایت کنند و نیز مواضع تروریستی نداشته باشند. در این رابطه چنانچه ملاحظه می‌کنیم جریان‌های اسلام‌گرا جریان‌های سکولار یا برای مثال قبیله‌ای در مصر نیز به همین‌گونه علامت می‌دهند. یعنی به آنها اطمینان خاطر می‌دهند که اگر در حکومت قرار گرفتند، متفاوت از آن چیزی خواهند بود که درباره‌شان می‌گویند.

یک نمونه از اینها اظهارات راشد الغنوشی، رهبر جنبش النهضة در تونس بعد از اعلام نتایج انتخابات بود که گفت قصد ندار حجاب را برای زنان اجباری کند یا افزود که به دموکراسی معتقد است و نمی‌خواهد انحصار در حکومت وجود داشته باشد یا اینکه به معاهدات بین‌المللی احترام می‌گذارد. در مصر به نظر می‌رسد که این وضعیت به دلیل وجود دهها میلیون مسیحی در درون جامعه مصری پیچیده‌تر باشد. همچنین در این کشور نوعی رقابت بین اخوان‌المسلمین و جریان‌های سلفی وجود دارد که به قدرت مانور کمتری را در اختیار اخوانی‌ها در مقایسه با تونس می‌گذارد. همچنین در تونس به دلیل سکولار بودن بیشتر جامعه و نیز همسایگی و رابطه مستقیم با اروپا، فضای بیشتری در اختیار اخوانی‌ها قرارداشت.

پرسشی که اینجا مطرح می‌شود این است که اگر امور به همین منوال پیش برود نمی‌توانیم عصر آینده را در کشور‌های عربی «عصر اخوان» بنامیم؟ در این صورت شکل سایر جوامع و سیاست و روابط این کشور با دیگران چگونه خواهد بود؟ آیا واقعیت‌های سیاسی و روابط بین‌المللی، آنها را برآن خواهد داشت تا خشمشی سیاسی نزدیک به ترکیه را اتخاذ کنند؟ آیا این جریان‌ها هنگامی که به قدرت رسیدند همچنان قواعد دموکراتیک را رعایت خواهند کرد؟ پاسخ این پرسش‌ها در حال حاضر روشن نیست و باید منتظر آینده بود. مرحله کنونی از جنگ نیست و نیاز به اقدام‌های بسیاری دارد تا از آن رها شویم.» به‌نظر می‌رسد هر دولتی بر این کشور عضو اتحادیه اروپا حاکم شود به‌جز ادامه بی‌اعتمادی‌های احزاب به یکدیگر، خود را در برابر مشکلات اقتصادی دیرپه‌ای قرار داده است. نخست‌وزیر یونان تصمیم سران اتحادیه اروپا مبنی بر حذف ۵۰ درصد از بدهی‌های خارجی یونان و کمک یکصد میلیارد یورویی منوط به حضور نمایندگان اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (ترویکا) در وزارت‌خانه‌های یونان به‌طور مستمر رایک پیروزی و موفقیت برای دولت خود می‌داند اما احزاب سیاسی یونان که شرایط کنونی کشور را فرصتی مناسب برای کناره‌گیری دولت حاکم برگزاری انتخابات پارلمانی می‌دانند حضور نمایندگان ترویکا در یونان را به منزله واگذاری بخشی از حاکمیت ملی به خارجیان دانسته و آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

همه اینها باید یاد گفت اگر این یک مرحله قطعی و ناگزیر بوده باشد که ویرانه خانه پلاک ۲۳ می‌تابد و کنند بحثی در آن نیست. زیرا همگان می‌دانند که تغییرات، روندی طولانی دارد و نمی‌توان آن را در یک یا دو سال خلاصه کرد بلکه سخن بر سر یک یا چند دهه و یک یا چندین نسل است.

منبع:الشرق الاوسط

منبع:اشپیگل